



University of
Sistan and Baluchestan



Iranian Academy of
Management Sciences

Cultural Education Ecosystem Model Based on the Characteristics of Islamic Culture

Setareh Sotoodeh¹, Mahboube Soleimanpouromran^{2*}, Behrang-Esmaelishad³, Masoumeh Bagherpour⁴

1. Department of Educational Sciences, Boj.C., Islamic Azad University, Bojnord, Iran .
2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Boj.C., Islamic Azad University, Bojnord, Iran . (Corresponding Author) E-mail: soleimanpouromran@iau.ac.ir
3. Department of Educational Sciences, Boj.C., Islamic Azad University, Bojnord, Iran.
4. Associate Professor, Department of Educational sciences, BG.C, Islamic Azad University, Bandar Gaz,Iran.

Extended Abstract

Abstract

The purpose of the present study was to identify the ecosystem of cultural upbringing based on the indicators of Islamic culture in Sama schools located in North Khorasan Province. The research method was qualitative, utilizing the Grounded Theory approach. The statistical population included provincial experts in the fields of culture, Islamic teachings, and education; managers and experts of Sama schools and the Islamic Azad University of the province; and university specialists in related disciplines. Through purposive sampling, data saturation was achieved with 21 participants. Semi-structured interviews were employed to gather qualitative data. To ensure the validity of the qualitative section, the triangulation method and the criteria of Lincoln and Guba (1985) were applied, while the Holsti reliability coefficient was used to assess reliability. Data analysis in the qualitative section was conducted using the Strauss and Corbin method with the aid of MAXQDA software. The results of the findings indicated that a total of six fundamental dimensions were

identified: causal conditions, central phenomenon, contextual conditions, intervening conditions, strategies, and consequences.

Introduction

From an Islamic perspective, upbringing (Tarbiyah) is defined as the actualization of human powers and potentials, creating balance and harmony to achieve desired perfection, namely closeness to God. It is a gradual process that begins before birth and continues through parental guidance and schooling. In the Islamic Republic of Iran, schools have a mission beyond formal education: to raise individuals aligned with the Islamic Revolution, flourishing in belief, ethics, society, and science. Achieving the goals of the Fundamental Reform Document of Education and realizing the New Islamic Civilization requires an educational model based on Islamic theoretical foundations and Iranian cultural values. However, there is a gap between these high-level theories and practical educational frameworks. This study aims to design a native model for the "cultural upbringing ecosystem" in Sama schools in North Khorasan Province, addressing the need for an educational system that preserves Islamic-Iranian identity while responding to local cultural needs.

Methodology

This applied research employs a qualitative, exploratory mixed-methods approach, specifically utilizing the Grounded Theory method (Strauss and Corbin paradigm). The statistical population included experts in culture, Islamic teachings, and education, as well as managers and specialists from Sama schools and Islamic Azad University of North Khorasan. Through purposive sampling, theoretical saturation was achieved with 21 participants. Data were collected via semi-structured interviews. Validity was ensured using triangulation and Lincoln and Guba's (1985) criteria, while reliability was confirmed using the Holsti coefficient (0.79) and Cohen's Kappa (0.927). Data analysis was performed using MAXQDA software.

Findings

The core phenomenon identified is the "Cultural Upbringing Ecosystem," comprising four main elements: Human elements and actors (managers, teachers, students, families), Structural elements (physical and psychological space), Process elements (curricula and rituals), and Value foundations (Islamic knowledge and skills). This phenomenon is influenced by Causal Conditions (Islamic intellectual foundations, upstream documents, and student needs) within Contextual Conditions (local cultural texture, organizational structure, and resources). Intervening Conditions such as virtual media, educational pressures, and teacher competencies facilitate or hinder the process. To manage this ecosystem, six Strategies were identified: cultural leadership, teacher empowerment, curriculum integration, targeted cultural activities, family

participation, and media management. The effective implementation of these strategies leads to Consequences at four levels: student (identity formation), school (cultural climate), family (alignment of values), and society (strengthening social capital).

Conclusion

The proposed model demonstrates that the cultural upbringing ecosystem in Sama schools is the result of complex interactions between causal factors, contextual backgrounds, intervening conditions, and management strategies. Effective management requires simultaneous attention to all these dimensions. The study suggests that to realize this model, Sama schools must prioritize the recruitment of culturally competent staff, design evaluation tools that measure behavioral and ethical growth, and conduct workshops to align home and school environments. This model provides a scientific basis for decision-making and policy-making to enhance the quality of cultural education in Sama schools.

Keywords: Educational Model, Sama Schools, Islamic Azad University, Cultural Upbringing Ecosystem, Indicators of Islamic Culture

پایان
از انتشار

شناسایی الگوی زیست بوم تربیت فرهنگی مبتنی بر شاخصه های فرهنگ اسلامی

ستاره ستوده^۱ - محبوبه سلیمان پور عمران^{۲*} - بهرنگ اسماعیلی شاد^۳ - معصومه باقرپور^۴

۱. دانشجوی دکترای مدیریت گروه علوم تربیتی واحد بجنورد دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم تربیتی واحد بجنورد دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، ایران.

soleimanpouromran@iaui.ac.ir

۳. استاد یار گروه علوم تربیتی واحد بجنورد دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، ایران.

۴. دانشیار گروه علوم تربیتی واحد بندرگز دانشگاه آزاد اسلامی بندرگز، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی الگوی زیست بوم تربیت فرهنگی مبتنی بر شاخصه های فرهنگ اسلامی در مدارس سما استان خراسان شمالی بوده است. روش پژوهش کیفی از نوع نظریه داده بنیاد می باشد که جامعه آماری، شامل خبرگان استان در زمینه فرهنگ، معارف اسلامی، تعلیم و تربیت، مدیران و کارشناسان مدارس سما و دانشگاه آزاد اسلامی استان و متخصصان دانشگاهی رشته های مرتبط بودند که با ۲۱ نفر به صورت نمونه گیری هدفمند به اشباع رسید. برای گردآوری داده ها در بخش کیفی، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. برای سنجش روایی بخش کیفی از روش سه سویه سازی و لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) و جهت بررسی پایایی از روش ضریب پایایی هولستی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کیفی، با روش اشتراوس کوربین با نرم افزار MAXQDA بهره گرفته شد. نتایج حاصل از یافته های این پژوهش نشان داد که در مجموع در ابعاد شش گانه مبنایی که شامل: شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه ای، عوامل مداخله گر، راهبرها و پیامدها بود، شناسایی شدند.

واژه های کلیدی: الگوی تربیتی، مدارس سما، دانشگاه آزاد اسلامی، زیست بوم تربیت فرهنگی،

شاخصه های فرهنگ اسلامی

از دیدگاه اسلام، تربیت عبارت است از به فعلیت رساندن قوای انسان، استعدادهای او و ایجاد تعادل و هماهنگی در آنها جهت رسیدن به کمال مطلوب او، یعنی قرب به خدا. به عبارت دیگر تربیت متخلق شدن به اخلاق الهی و مؤدب شدن به آداب... است.» می توان ادعا کرد که تربیت، فرایندی تدریجی است که قبل از تولد آغاز می شود و پس از تولد با تدبیر والدین ادامه می یابد و بعد از والدین یکی از مؤثرترین عوامل در تربیت کودکان، معلم و مربی را می توان نام برد و این امر زمانی تحقق می یابد که میان آموزش های دینی یا راهکارهای عملی آرایه شده توسط خانه و اجتماع (مدرسه) هماهنگی وجود داشته باشد. در غیر این صورت کودک دچار تضاد می شود و نمی تواند راه را از بیراهه تشخیص دهد. وظیفه اصلی آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد دولتی، پرورش نیروهای انسانی متعهد و کارآمد برای ورود به جامعه است. همگان باید بتوانند استعدادها و توانایی های ذاتی خود را پرورش دهند و متناسب با آنها نقش مناسبی را در جامعه بازی کنند تا در نهایت جامعه به سمت تعالی معنوی و مادی پیش رود. (*Norouzinejad & Tabatabaei, 2019*). در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران نیز، مدرسه رسالتی فراتر از آموزش رسمی یافته و مأموریت آن تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی است، انسانی که در ابعاد اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و علمی به رشد و شکوفایی برسد. تحقق این هدف مستلزم طراحی و اجرای الگویی تربیتی است که بر پایه مبانی نظری اسلامی، ارزش های الهی و مقتضیات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی استوار باشد و متن چشم انداز بیست ساله آن در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه و با هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام و تعامل سازنده در روابط بین الملل معرفی شده است. (*Baghdarnia, 2015*) تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند «انسان های تربیت یافته بر مبنای نظام ارزشی اسلام» است؛ انسان هایی که در سبک زندگی اسلامی-ایرانی، عدالت اجتماعی، عقلانیت دینی و معنویت گرایی به الگو تبدیل شوند. با این حال، تبیین علمی و نظام مند این پیشران ها هنوز در مرحله نظری باقی مانده و کمتر به چارچوب های عملی و آموزشی منتهی شده است. ضعف این پیوند میان نظریه ی تمدن اسلامی و نظام تعلیم و تربیت، موجب شده است که بخش های فرهنگی و آموزشی کشور نتوانند در مسیر تمدن سازی نقشی مؤثر ایفا کنند. (*Hosseinzadeh et al., 2024*). فرهنگ یک ملت شکل دهنده باورها، ارزشها، اصول اخلاقی، نمادها، زبان و در نهایت سبک زندگی مردم آن کشور است. فرهنگ یک ملت نشان دهنده ، باورها، خواسته ها، رفتارها و ارزشهای آن ملت است. فرهنگ و باور عمومی هر جامعه ای نخست در حفظ و تقویت هویت و

موجودیت جامعه دارای جایگاه است و در وهله دوم زمینه ساز پیشرفت و توسعه همه جانبه جامعه است. (Fallahi, 2014) با توجه به نیازهای زمانی و مکانی نظام تعلیم و تربیت اسلامی و بهره‌گیری از روش و مکتب اسلامی و ویژگی‌ها و شاخص‌های اسلامی، کیفی‌سازی این مدارس با بهره‌گیری از الگوهای اسلامی در قالب زیست بوم تربیت فرهنگی استان، جهت رشد و توسعه همه جانبه اهمیت ویژه دارد. اساساً جزئیات مدرسه داری در مناطق مختلف فرهنگی و جغرافیایی کشور متفاوت است و هر مدرسه با تکیه بر زیست بوم تربیت فرهنگی خود می‌تواند شیوه مدرسه داری خود را طراحی و عملیاتی کند. منظور از بومی بودن این است که مبانی آن از سرچشمه حکمت توحیدی گرفته شده و ناظر به مسائل واقعی جامعه ایرانی است و اساساً اگر الگو، بومی و ناظر به مسائل واقعی آن جامعه نباشد، الگوی آن جامعه نخواهد بود. مدارس سما به برنامه‌ها، رویکردها، روش‌های مناسب اجرایی را برای پیشبرد امر آموزش نیاز دارد تا بستری مناسب برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت فراهم کند. در این راستا ارائه الگوی مناسب با توجه به فرصت‌های محیطی و ساختاری این مدارس همچون رشد سطح فرهنگ خانواده و انگیزه والدین برای ارتقاء سطح تحصیلات فرزندانشان، اصلاح برنامه‌ها و فعالیت‌ها، توجه به زیرساخت‌ها و دسترسی به نخبگان و نیروهای کارآمد و برخورداری از پشتوانه دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند زمینه بهبود مستمر عملکرد مدارس ابتدایی سما را به همراه داشته باشد. الگوی تربیت فرهنگی مدارس سما باید یک چارچوب نظام‌مند و چندبعدی تربیتی ارائه دهد که براساس مبانی دینی، فرهنگی و آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی طراحی شده و هدف آن تربیت نسلی معتقد، متعهد، علمی، خلاق و مهارت‌محور باشد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر مدارس سما در استان خراسان شمالی، در پی آن است تا ضمن شناسایی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی و عناصر مؤثر بر تربیت فرهنگی، الگویی بومی و کارآمد از زیست‌بوم تربیت فرهنگی ارائه دهد. دستاوردهای این پژوهش می‌تواند هم از منظر نظری در توسعه دانش تربیتی اسلامی و طراحی الگوهای فرهنگی و هم از منظر کاربردی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی در مدارس سما مفید واقع شود. از طرفی ارائه الگوی فرهنگی - تربیتی مناسب در مدارس سما با توجه به تنوع فرهنگی و اقلیمی در استان خراسان شمالی، سبب پاسخگویی به نیازهای فردی و فرهنگی و محلی و منطقه‌ای و همچنین ارتقای جایگاه مدارس سمای استان و پاسخگویی و تعامل مستمر با جامعه و ارتقای کیفیت و همچنین تحقق شیوه‌های مدیریت مشارکتی و استقلال مدرسه می‌گردد و با اعتماد به صلاحیت و توان آنان از ظرفیت و توانایی و توان درون و بیرون مدارس سمای استان و بومی‌سازی آموزش میتوان برای تحقق مدارس مبتنی بر فرهنگ اسلامی بهره‌گیری نمود. بنابراین، این پژوهش گامی مهم در جهت ارتقای کیفیت تربیت فرهنگی در مدارس سما استان و فراهم

ساختن مبنایی علمی برای تصمیم‌گیری‌های آموزشی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه تربیت رسمی و قالب نظام‌های آموزشی جوامع از جمله پدیده‌ای تاریخمند است که باید متناسب با شرایط زمان و مکان تغییر کند و الگوی واحد و جهانی ندارد لذا تصور اشتباه وجود الگویی یگانه باعث شده مدل غربی به جوامع دیگر تحمیل شود، که این امر مانع توسعه متناسب با فرهنگ بومی و موجب انقطاع از پیشینه تاریخی آن‌ها شده است. بنابراین، هر کشور باید بر اساس مبنای فکری، فرهنگ و فلسفه تربیتی خود، الگوی تربیت رسمی مناسب را طراحی کند، زیرا تربیت رسمی نه تنها تحت تأثیر شرایط اجتماعی است، بلکه نقش مهمی در حفظ ارزش‌های جامعه دارد. (Movahed Rad et al., 2022) از اینرو پژوهش حاضر درصدد است بررسی نماید الگوی زیست بوم تربیت فرهنگی مبتنی بر شاخصه‌های فرهنگ اسلامی در مدارس سما استان خراسان شمالی کدام است؟

مبنای نظری و پیشینه پژوهش

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به عنوان یکی از اسناد بالادستی مهم، مبنای و اهداف تربیتی را بر اساس ارزش‌های اسلامی تدوین کرده است که شاخصه‌های فرهنگ اسلامی را در قالب ارزش‌ها، باورها، صفات و نگرش‌هایی برای دانش‌آموزان و نظام آموزشی در بیانیه ارزش‌ها، اهداف کلان و چشم‌انداز آن ترسیم میکند سند تحول بنیادین، تربیت را در شش ساحت دنبال می‌کند که هر کدام ریشه‌های اسلامی دارند. این ارزش‌ها براساس آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم، قانون اساسی، رهنمودهای رهبرکبیر حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری و سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی تهیه شده است. در واقع مراد از تحول بنیادین در آموزش و پرورش فراهم آوردن زمینه تحول عمیق ریشه‌ای همه جانبه، نظام مند، آینده نگر، مبتنی بر آموزه‌های حیانی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی می‌باشد (Bagheri & Bagheri, 2017) با توجه به انقلاب ارتباطات و گسترش فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی، جامعه و فرهنگ ایران نیز در حال تجربه کردن نوعی گذار است که دارای ویژگیهای خاص خود بوده و پیامدهای متعددی نیز برای فرهنگ و هویت ایرانی‌ها به دنبال دارد؛ به گونه‌ای که جوانان در اثر ارتباط نزدیک با علایق و ظواهر جذاب رسانه‌ای، به گرایش به فرهنگ غرب از یک طرف، و بی‌تفاوتی نسبتاً شدید به مسائل و علایق فرهنگی سنتی خود از طرف دیگر تمایل می‌یابند. مدارس به عنوان پیام‌آوران صلح و دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و فرهنگ‌های متفاوت نیازمند این هستند که برنامه‌مدون و درستی در جهت آموزش اصولی و مناسب دانش‌آموزان از فرهنگ ملی، قوی، بومی، خانوادگی و ... ارائه دهند و دانش‌آموزان را از این

طریق با فرهنگ ملی میهنی خود آشنا نمایند، تربیت فرهنگی فرزندان، دانش آموزان یا به طور کلی شهروندان با آموزه های اسلامی و علوی یکی از دغدغه های اصلی متولیان تعلیم و تربیت و اندیشمندان اسلامی و از ملزومات سعادت فردی و اجتماعی و اخروی است که غفلت از آن میتواند خسارت‌های مادی و معنوی بسیاری از جمله مشکلات رفتاری، عاطفی، اقتصادی، اجتماعی، در خانواده و جامعه به وجود آورد با توجه به اهمیت این ابعاد و مولفه های هویت فرهنگی، معمولاً نیروهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تربیتی، به پویایی آن کمک میکنند. در این میان، نظام تعلیم و تربیت هر کشوری مهمترین نهاد متولی ترویج، حفظ و نگهداشت فرهنگ‌های متنوع یک جامعه است که برای حفظ و نگهداشت خرده فرهنگها و همچنین زیست مسالمت آمیز آنها در کنار یکدیگر باید بر یک برنامه درسی مبتنی بر هویت فرهنگی بر تربیت فرهنگی تاکید کند که ضمن توجه به تفاوتها و اختلافات، آنها را در زیر یک ساختار مشترک جای دهد که همزمان که رو به سوی بین المللی شدن برنامه درسی حرکت میکنند، هویت ملی و منطقهای خود را نیز در برنامه درسی حفظ کند (Zamani et al., 2021). بازطراحی الگوی سیاستگذاری برای چارچوب فرهنگ را بر اساس زیست بوم فرهنگی کشور پیشنهاد می دهد (Gheidarlo & Janghorban, 2022). زمانی و همکاران (۲۰۲۱) برای تربیت فرهنگی-اسلامی این مولفه ها را شناسایی نمود: عدالت‌محوری، فرهنگ عبادت، نگرش مثبت، گسترش دانش، جمعگرایی و مشارکت، استکبار ستیزی، مسئولیت‌پذیری، محتوای غنی، آگاهی از اصول دین و احترام به تفاوتها پژوهشی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان مفاهیم اسلامی را با آموزش‌های مدنی و اجتماعی در هم آمیخت تا دانش‌آموزانی باورمند و مشارکت‌جو تربیت شوند. این یافته در راستای توجه توأمان به ساحت‌های تربیتی اجتماعی و سیاسی در الگوهای داخلی است. نصیر و فدلی^۱ (۲۰۲۲). تربیت فرهنگی-اسلامی تنها از طریق انتقال محتوای درسی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند طراحی «فضای فرهنگی» است که در آن تعاملات غیررسمی و روابط بین‌فردی نیز مبتنی بر اخلاق اسلامی باشد. حسین و سرور^۲ (۲۰۲۲) عوامل محیطی مانند معماری مدرسه، فضاهای تعاملی، و سبک مدیریت، تأثیری مستقیم و غیرمستقیم بر درونی‌سازی ارزش‌های فرهنگی توسط دانش‌آموزان دارند. خان و مومن^۳ (۲۰۲۱). پژوهش‌های انجام شده چارچوبی را پیشنهاد کردند که بر تقویت جنبه‌های معنوی در آموزش نسل جدید مسلمانان تمرکز دارد و این چارچوب را در دو

1- Fadli & Nasir

2- Hussain & Sarwar

3- Memon & Khan

مرکز آموزشی اندونزی مطالعه کردند. خنیفه^۱ (۲۰۲۱). زیست‌بوم تربیت فرهنگی زمانی مؤثر است که برنامه درسی رسمی با برنامه درسی پنهان تلفیق شود. آن‌ها مؤلفه‌هایی همچون «الگوی تعامل معلم-شاگرد»، «آیین‌های مدرسه» و «فعالیت‌های گروهی» را به عنوان عناصر کلیدی زیست‌بوم تربیتی شناسایی کرده‌اند که انتقال ارزش‌های اسلامی و بومی را تسهیل می‌کنند. بوچاری و ستیاوان^۲ (۲۰۲۰). بر همین اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر مدارس سما در استان خراسان شمالی، در پی آن است تا ضمن شناسایی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی و عناصر مؤثر بر تربیت فرهنگی، الگویی بومی و کارآمد از زیست‌بوم تربیت فرهنگی ارائه دهد. دستاوردهای این پژوهش می‌تواند هم از منظر نظری در توسعه دانش تربیتی اسلامی و طراحی الگوهای فرهنگی و هم از منظر کاربردی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی در مدارس سما مفید واقع شود. از طرفی آرایه الگوی فرهنگی - تربیتی مناسب در مدارس سما با توجه به تنوع فرهنگی و اقلیمی در استان خراسان شمالی، سبب پاسخگویی به نیازهای فردی و فرهنگی و محلی و منطقه‌ای و همچنین ارتقای جایگاه مدارس سمای استان و پاسخگویی و تعامل مستمر با جامعه و ارتقای کیفیت و همچنین تحقق شیوه‌های مدیریت مشارکتی و استقلال مدرسه می‌گردد و با اعتماد به صلاحیت و توان آنان از ظرفیت و توانایی و توان درون و بیرون مدارس سمای استان و بومی سازی آموزش میتوان برای تحقق مدارس مبتنی بر فرهنگ اسلامی بهره‌گیری نمود. بنابراین، این پژوهش گامی مهم در جهت ارتقای کیفیت تربیت فرهنگی در مدارس سما استان و فراهم ساختن مبنایی علمی برای تصمیم‌گیری‌های آموزشی محسوب می‌شود.

روش پژوهش

از نظر هدف تحقیق، با توجه به این که پژوهش حاضر به دنبال طراحی الگوی زیست‌بوم تربیت فرهنگی در مدارس سما براساس شاخص‌های فرهنگ اسلامی، یافته‌های پژوهش در راستای کاربرد آن در عمل و بهبود عملکرد مدارس سما است، بنابراین در زمره تحقیقات کاربردی است. در واقع هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه‌ی خاص است. به عبارت دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می‌شوند. همچنین تحقیق حاضر از نظر چگونگی گردآوری داده‌های مورد نیاز، در زمره تحقیق آمیخته اکتشافی طبقه‌بندی می‌شود. جامعه و نمونه (مشارکت‌کنندگان) در پژوهش کیفی: در این پژوهش جامعه شامل

1. Khanife

2. Buchori & Setiawan

خبرگان استان در زمینه تعلیم و تربیت، مدیران و کارشناسان و معلمان مدارس سما و دانشگاه آزاد اسلامی استان، اعضای هیات علمی و متخصصان دانشگاهی حوزه های علوم تربیتی، جامعه شناسی و علوم اجتماعی، فلسفه تعلیم و تربیت، اقتصاد و کارآفرینی، معارف، علوم سیاسی، محیط زیست، تربیت بدنی، بهداشت، هنر می باشند که در فرایند مصاحبه شرکت کردند. برای تعیین نمونه‌های این پژوهش و تعیین این گروه از خبرگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده می شود که با توجه به این موضوع تعداد ۲۵ نفر به‌عنوان نمونه مدنظر قرار داده شد که در این پژوهش با ۲۱ مصاحبه به اشباع رسید. در بخش کیفی این پژوهش ابتدا معیارهای ورود شامل داشتن تجربه مرتبط با موضوع، آگاهی و تخصص کافی، توانایی بیان دقیق تجربیات و تمایل به مشارکت تعیین شد. افرادی که فاقد تجربه کافی، تمایل لازم یا توانایی ارائه اطلاعات معتبر بودند، در زمره معیارهای خروج قرار گرفتند. لذا نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شد و افراد واجد شرایط شناسایی و دعوت به مصاحبه شدند. پس از توضیح کامل اهداف پژوهش، نحوه انجام مصاحبه و تضمین محرمانگی، رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان اخذ شد و آنان وارد فرآیند مطالعه شدند. فرآیند نمونه‌گیری تا زمان دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت، به این معنا که با انجام مصاحبه‌های بیشتر، اطلاعات جدیدی به مجموعه داده‌ها افزوده نمی‌شد. پس از اشباع، نمونه‌گیری متوقف گردید و فهرست نهایی مصاحبه‌شوندگان مشخص شد. در نهایت افراد پس از تکمیل مصاحبه به‌صورت طبیعی از فرآیند پژوهش خارج شدند. همچنین در صورت انصراف، عدم همکاری، ارائه پاسخ‌های ناکافی یا عدم انطباق با معیارهای ورود، مصاحبه‌کننده از چرخه تحلیل کنار گذاشته شد. بدین ترتیب ورود و خروج مشارکت‌کنندگان به منظور رعایت اصول اخلاق پژوهش و ساختار استاندارد نمونه‌گیری کیفی صورت پذیرفت که توزیع فراوانی مصاحبه‌شوندگان با توجه به ویژگی‌های فردی آنان به شرح جدول ذیل می باشد. روش‌های گردآوری داده‌ها در این پژوهش به دو دسته اسنادی و میدانی تقسیم می شود. در خصوص گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش از روش‌های اسنادی و جهت گردآوری اطلاعات بخش کمی و کیفی پژوهش از روش میدانی استفاده شده است. در این پژوهش با توجه به ماهیت و نوع پژوهش برای گردآوری داده‌های بخش کیفی پژوهش از مصاحبه نیمه ساختار یافته بهره گرفته شده است. سوالات مصاحبه در این پژوهش از ترکیب سه منبع اصلی یعنی مطالعات نظری، مرور پژوهش‌های تجربی، و نظر خبرگان حوزه تعلیم و تربیت استخراج شده و با هدف دستیابی به مؤلفه‌های زیست بوم تربیت فرهنگی مدارس سما تدوین گردید و توسط ۵ نفر از اعضای هیات علمی که دارای کار پژوهشی و سابقه تدریس در این زمینه بودند، تایید گردید تا موجب افزایش اعتبار و روایی محتوایی ابزار مصاحبه و هم‌خوانی کامل آن با اهداف پژوهش گردد. شرکت‌کنندگان برای حضور

در پژوهش، رضایت آگاهانه ارائه کرده‌اند. بعد از هر مصاحبه بلافاصله مصاحبه‌ها پیاده شده و تحلیل مصاحبه‌ها بعد هر مصاحبه انجام می‌گرفت و سپس وارد مصاحبه جدید می‌شد، تا به اشباع رسیده شد. برای سنجش روایی مرحله کیفی پژوهش حاضر از روش سه سویه سازی استفاده شد، سه‌سویه‌سازی روشی است که در آن، محقق برای تأیید یک یافته یا تفسیر خاص، از سه منبع داده، سه روش تحلیل، یا سه نظریه متفاوت بهره می‌برد تا اطمینان یابد که تفسیر به دست آمده، یک دیدگاه واحد و پایدار را منعکس می‌کنند. لذا پس از استخراج مضامین از مصاحبه‌ها علاوه بر اینکه مضامین فراگیر، اصلی و پایه با مطالعه مبانی نظری، پیشینه پژوهش، اهداف پژوهش و منابع مورد بررسی ویرایش شدند. نظرات و رهنمودهای استادان راهنما و مشاور و ۵ نفر از اعضای هیات علمی که دارای کار پژوهشی و سابقه تدریس در این زمینه داشتند نیز اعمال گردید. همچنین برای ارزیابی کیفیت این پژوهش از معیارهای شناخته‌شده لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) استفاده شده است جهت بررسی پایایی در بخش کیفی از روش ضریب پایایی هولستی^۱ (درصد توافق مشاهده شده) نیز استفاده شده است که در این پژوهش کسب نمره^۲ PAO ۰/۷۹ بوده است و نشان دهنده تأیید پایایی بخش کیفی بوده است. با توجه به اینکه روش هولستی ساده و کاربردی است اما اشکال آن این است که نمی‌تواند مشخص نماید که چه میزان توافق بین کدگذاران ناشی از شانس و چه میزان ناشی از تعداد طبقات در تحلیل است در این راستا براساس نظر اسکات^۳ برای خنثی کردن اثر شانس از شاخص ضریب کاپای کوهن^۴ نیز استفاده گردید بدین منظور، سه کدگذار، تمام ۲۹ مقوله استخراج شده که حاصل از ترکیب ۱۲۱ مفهوم غیرتکراری هستند را در قالب ۶ مقوله اصلی دسته بندی کردند و در نهایت، میزان توافق آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره ۱: میزان ضریب توافق کاپای سه کدگذار

مقدار ضریب توافق کاپا	جایگشت ضریب توافق کاپا
۰,۸۸۷	کدگذار اول و دوم
۰,۸۹۳	کدگذار اول و سوم
۱	کدگذار دوم و سوم
۰,۹۲۷	میانگین

^۱ - Holsti

^۲ - Percentage of Agreement Observation

^۳ - Scott

^۴ - Cohen's kappa coefficient

روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی کدگذاری نظری برگرفته از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوبین بود. کدگذاری نظری عبارت است از عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند و فرایند اصلی است که طی آن نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود. در این روش سه رکن اصلی مفاهیم، مقوله‌ها و نظریه‌ها وجود دارند. در این شیوه نظریه بر اساس داده‌های خام شکل می‌گیرند (دلاور و کوشکی، ۱۳۹۶). تحلیل داده‌ها، محور اصلی نظریه برخاسته از داده‌ها است. در هر مطالعه به‌عنوان یک کل، جمع‌آوری داده‌ها، تنظیم داده‌ها و تحلیل داده‌ها به هم وابستگی متقابل دارند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱- پدیده

در این پژوهش، پدیده مورد مطالعه عبارت است از زیست بوم تربیت فرهنگی و عوامل تشکیل دهنده پدیده اصلی تحقیق زیست بوم تربیت فرهنگی، با زیر مقوله‌های عناصر انسانی و کنشگران، عناصر ساختاری (فضا و محیط)، عناصر فرآیندی (برنامه‌ها و فرآیندها)، عناصر مبانی و ارزش‌های تربیت فرهنگی نقش به‌سزایی در تبیین زیست بوم تربیت فرهنگی ایفا می‌کند. باتوجه به نظر مصاحبه‌شوندگان از بین این مولفه‌ها تأثیرگذارترین آنها به ترتیب عبارتند از: عناصر انسانی و کنشگران با ۳۰,۴ درصد، عناصر مبانی و ارزش‌های تربیت فرهنگی با ۲۶,۶ درصد، عناصر فرآیندی (برنامه‌ها و فرآیندها) ۲۲,۸ درصد و عناصر ساختاری (فضا و محیط) ۲۰,۲ درصد نقش اساسی ایفا می‌نمایند و به‌عنوان مهمترین مفاهیم مورد توجه قرار داشته که در نمودار زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۲: کدگذاری نهایی حاصل از مصاحبه در خصوص تبیین پدیده موضوعی

کد	مفاهیم	مولفه	بعد	سازه
CC11	مدیر مدرسه (رهبر فرهنگی)	عناصر انسانی و کنشگران	عوامل تشکیل دهنده	زیست بوم تربیت فرهنگی
CC12	معلمان (الگوهای رفتاری)			
CC13	دانش‌آموزان (کنشگران فعال)			
CC14	خانواده‌ها			
CC15	مربیان پرورشی و فرهنگی			
CC16	نهادهای فرهنگی وابسته به سما	عناصر ساختاری (فضا و محیط)		
CC21	فضای فیزیکی مدرسه (نماها، نمادهای اسلامی)			
CC22	فضای روانی - اجتماعی مدرسه			
CC23	مناسبات اخلاقی و ارزشی			
CC24	فضای مجازی مدرسه			
CC31	برنامه‌های درسی و فوق‌برنامه	عناصر فرآیندی (برنامه‌ها و ...)		

CC32	آیین‌ها و مناسک دینی	فرآیندها)		
CC33	فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بومی			
CC34	شیوه‌های تعامل تربیتی			
CC41	دانش فرهنگ اسلامی	عناصر مبانی و ارزش‌های تربیت فرهنگی		
CC42	نگرش فرهنگ اسلامی			
CC43	مهارت فرهنگ اسلامی تمام ساحتی			

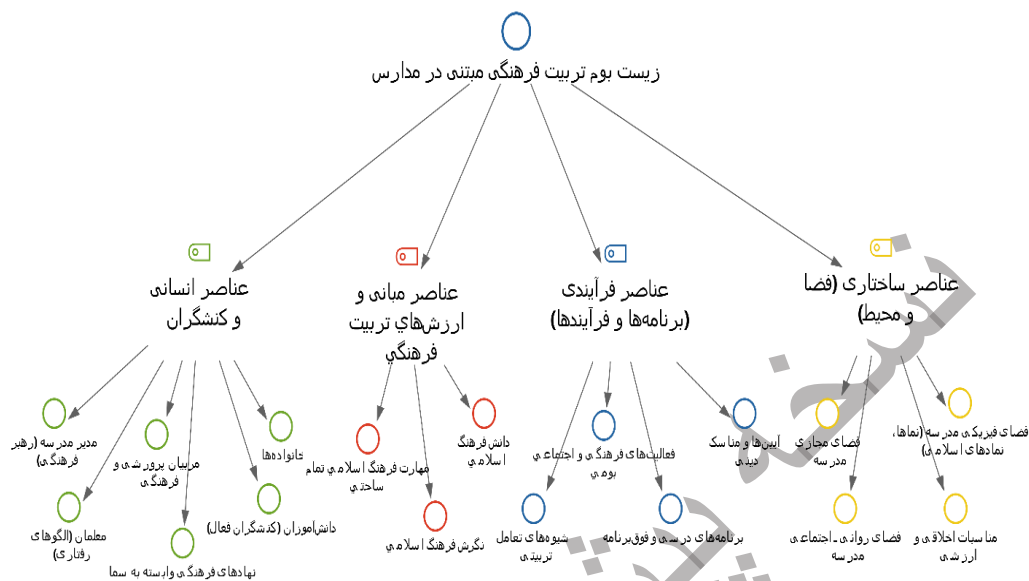
یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل بخش کیفی حول محور عوامل تشکیل دهنده پدیده اصلی تحقیق با توجه به پیوند دادن کدهای باز، مفاهیم کدهای محوری و کدهای گزینشی نشان داد که پدیده اصلی تحقیق تحت عنوان زیست بوم تربیت فرهنگی در مدارس شامل ۴ مولفه اصلی و ۱۷ مفهوم است که مبنای تدوین پرسشنامه بخش کمی نیز قرار گرفته است.

عناصر انسانی و کنشگران شامل مفاهیم: مدیر مدرسه (رهبر فرهنگی)، معلمان (الگوهای رفتاری)، دانش‌آموزان (کنشگران فعال)، خانواده‌ها، مربیان پرورشی و فرهنگی، نهادهای فرهنگی وابسته به سما.

عناصر ساختاری (فضا و محیط) شامل: فضای فیزیکی مدرسه (نماها، نمادهای اسلامی)، فضای روانی - اجتماعی مدرسه، مناسبات اخلاقی و ارزشی، فضای مجازی مدرسه.

عناصر فرآیندی (برنامه‌ها و فرآیندها) شامل: برنامه‌های درسی و فوق‌برنامه، آیین‌ها و مناسک دینی، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بومی، شیوه‌های تعامل تربیتی.

عناصر مبانی و ارزش‌های تربیت فرهنگی شامل: دانش فرهنگ اسلامی، نگرش فرهنگ اسلامی، مهارت فرهنگ اسلامی تمام ساحتی.



شکل شماره ۱: مدل عوامل تشکیل دهنده پدیده اصلی تحقیق حاصل از تحلیل بخش کیفی

۲- شرایط علی

شرایط علی در واقع شرایطی است که عامل اصلی بوجود آورنده پدیده مورد مطالعه است. در تحلیل‌های دریافتی از مصاحبه‌ها علت پدیده « زیست بوم تربیت فرهنگی در مدارس سما استان خراسان شمالی»، شرایطی از جمله عوامل مبانی فکری و ارزشی فرهنگ اسلامی، باورها و نگرش‌های مدیران و معلمان، سیاست‌ها و اسناد بالادستی سما، رسالت و مأموریت تربیتی مدارس سما و نیازها و اقتضات فرهنگی دانش‌آموزان عنوان شده است. با توجه به نظر مصاحبه شونده‌گان از بین مفاهیم این مقولات تأثیرگذارترین آنها به ترتیب عبارتند از: مبانی فکری و ارزشی فرهنگ اسلامی، باورها و نگرش‌های مدیران و معلمان، سیاست‌ها و اسناد بالادستی سما، رسالت و مأموریت تربیتی مدارس سما و نیازها و اقتضات فرهنگی دانش‌آموزان. با توجه به نظر مصاحبه شونده‌گان از بین این مولفه‌ها، تأثیرگذارترین آنها به ترتیب عبارتند از: سیاست‌ها و اسناد بالادستی سما با ۸۶٫۷ درصد، مبانی فکری و ارزشی فرهنگ اسلامی با ۷۳٫۳ درصد، باورها و نگرش‌های مدیران و معلمان ۶۶٫۷ درصد، نیازها و اقتضات فرهنگی دانش‌آموزان ۴۰ درصد و رسالت و مأموریت تربیتی

مدارس سما با پوشش ۲۶,۷ درصدی در متن مصاحبه های انجام شده نقش اساسی ایفا می نمایند و به عنوان مهمترین مفاهیم مورد توجه قرار داشته که در نمودار زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۳ کدگذاری نهایی حاصل از مصاحبه در خصوص تبیین عوامل علی

کد	مفاهیم	مولفه	بعد	سازه
Ca11	توحیدمحوری در تربیت	مبانی فکری و ارزشی فرهنگ اسلامی		زیست بوم تربیت فرهنگی
Ca12	کرامت انسانی			
Ca13	اخلاق مداری			
Ca14	مسئولیت اجتماعی			
Ca15	هویت اسلامی - ایرانی			
Ca21	اعتقاد به اولویت تربیت بر آموزش	باورها و نگرش های مدیران و معلمان		
Ca22	باور به نقش الگویی معلم			
Ca23	تعهد دینی و اخلاق حرفه ای			
Ca24	نگاه سیستمی به تربیت فرهنگی			
Ca31	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	سیاست ها و اسناد بالادستی سما	عوامل علی	
Ca32	اسناد فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی			
Ca33	آیین نامه ها و دستورالعمل های فرهنگی سما			
Ca34	تأکید سازمان بر تربیت اسلامی	رسالت و مأموریت تربیتی مدارس سما		
Ca41	تربیت انسان مؤمن و مسئول			
Ca42	پیوند علم، ایمان و اخلاق			
Ca43	پرورش هویت دینی دانش آموز			
Ca44	پاسخ به نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی	نیازها و اقتضات فرهنگی دانش آموزان		
Ca51	نیاز به هویت یابی دینی			
Ca52	مواجهه با چالش های فرهنگی نوپدید			
Ca53	تأثیرپذیری از فضای مجازی			
Ca54	نیاز به الگوهای فرهنگی معتبر			

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل بخش کیفی حول محور عوامل علی زیست بوم تربیت فرهنگی باتوجه به پیوند دادن کدهای باز، مفاهیم کدهای محوری و کدهای گزینشی نشان داد که عوامل علی تحقیق شامل ۵ مولفه اصلی و ۲۱ مفهوم است که مبنای تدوین پرسشنامه بخش کمی نیز قرار گرفته است.

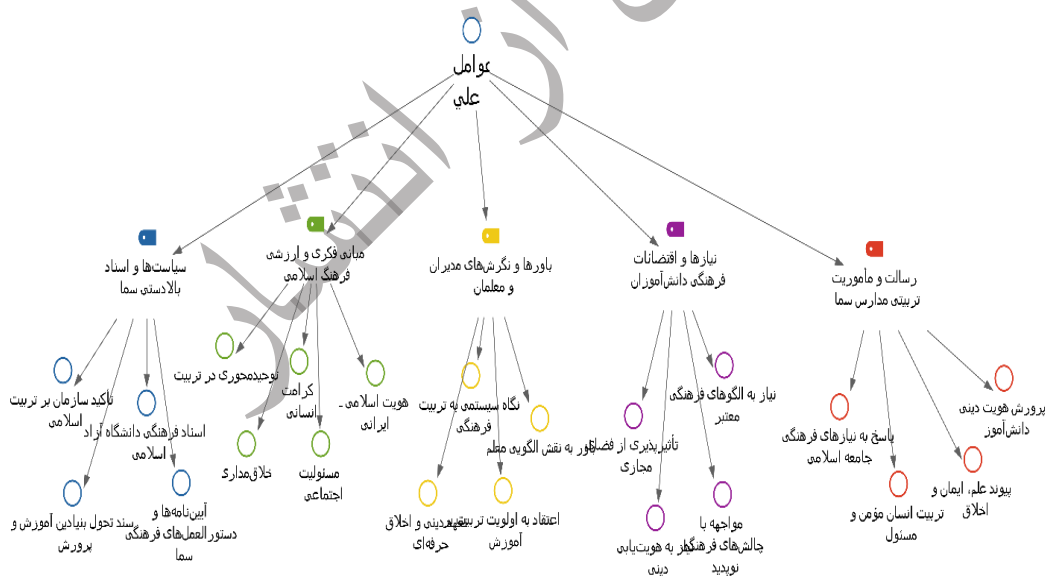
مبانی فکری و ارزشی فرهنگ اسلامی شامل: توحیدمحوری در تربیت، کرامت انسانی، اخلاق‌مداری، مسئولیت اجتماعی، هویت اسلامی - ایرانی.

باورها و نگرش‌های مدیران و معلمان شامل: اعتقاد به اولویت تربیت بر آموزش، باور به نقش الگویی معلم، تعهد دینی و اخلاق حرفه‌ای، نگاه سیستمی به تربیت فرهنگی.

سیاست‌ها و اسناد بالادستی سما شامل: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اسناد فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های فرهنگی سما، تأکید سازمان بر تربیت اسلامی

رسالت و مأموریت تربیتی مدارس سما: تربیت انسان مؤمن و مسئول، پیوند علم، ایمان و اخلاق، پرورش هویت دینی دانش‌آموز، پاسخ به نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی.

نیازها و اقتضات فرهنگی دانش‌آموزان شامل: نیاز به هویت‌یابی دینی، مواجهه با چالش‌های فرهنگی نوپدید، تأثیرپذیری از فضای مجازی، نیاز به الگوهای فرهنگی معتبر.



شکل شماره ۲: مدل عوامل علی تحقیق حاصل از تحلیل بخش کیفی

۳-بسترهای زمینه

نشانگر سلسله خصوصیات خاص و ویژه ای است که در آن راهبردهای کنش متقابل برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می گیرد. یکی از زمینه‌هایی که برای تبیین پدیده مورد مطالعه از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان می توان به آن اشاره کرد، بافت فرهنگی اجتماعی استان خراسان شمالی، ساختار سازمانی مدارس سما، امکانات و منابع مدرسه، جو و فضای تربیتی مدرسه و تعامل مدرسه با خانواده و جامعه می باشد که به اعتقاد ایشان ماهیت زیست بوم تربیت فرهنگی را فراهم نموده است. ساختار سازمانی مدارس سما و امکانات و منابع مدرسه در بیش از ۸۷ درصد از مصاحبه‌ها بدانها اشاره گردیده است همچنین جو و فضای تربیتی مدرسه به ترتیب در ۸۱,۳ درصد و بافت فرهنگی اجتماعی استان خراسان شمالی در ۷۵ درصد و تعامل مدرسه با خانواده و جامعه در ۳۷,۵ درصد از متون مصاحبه‌ها بیان شده است.

جدول شماره ۴-کدگذاری نهایی حاصل از مصاحبه در خصوص تبیین بسترهای زمینه ای

کد	مفاهیم	مؤلفه	بعد	سازه
Co11	تنوع قومی و فرهنگی (کرد، ترک، ترکمن، فارس و ...)	بافت فرهنگی - اجتماعی استان خراسان شمالی	شرایط زمینه ای	زیست بوم تربیت فرهنگی
Co12	باورها و سنت‌های مذهبی بومی			
Co13	سرمایه فرهنگی خانواده‌ها			
Co14	سبک‌های زندگی محلی			
Co21	میزان استقلال مدرسه در برنامه‌های فرهنگی	ساختار سازمانی مدارس سما	شرایط زمینه ای	
Co22	ساختار تصمیم‌گیری مدیریتی			
Co23	هماهنگی مدرسه با ستاد سما			
Co24	ثبات یا تغییر مدیران			
Co31	فضاهای فرهنگی (نمازخانه، سالن اجتماعات)	امکانات و منابع مدرسه	شرایط زمینه ای	
Co32	منابع انسانی متخصص (مری پرورشی)			
Co33	بودجه و حمایت مالی			
Co34	زمان اختصاص یافته به فعالیت‌های فرهنگی			
Co41	روابط اخلاقی بین معلمان و دانش‌آموزان	جو و فضای تربیتی مدرسه	شرایط زمینه ای	

Co42	احساس امنیت روانی			
Co43	احترام متقابل			
Co44	الگوهای تعامل تربیتی			
Co51	میزان مشارکت خانواده‌ها	تعامل مدرسه با خانواده و جامعه		
Co52	هم‌سویی ارزش‌های خانه و مدرسه			
Co53	ارتباط با نهادهای فرهنگی محلی			
Co54	حمایت اجتماعی از برنامه‌های تربیتی			

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل بخش کیفی حول محور بسترهای زمینه‌ای زیست بوم تربیت فرهنگی با توجه به پیوند دادن کدهای باز، مفاهیم کدهای محوری و کدهای گزینشی نشان داد که بسترهای زمینه‌ای موثر شامل ۵ مولفه اصلی و ۲۰ مفهوم است که مبنای تدوین پرسشنامه بخش کمی نیز قرار گرفته است.

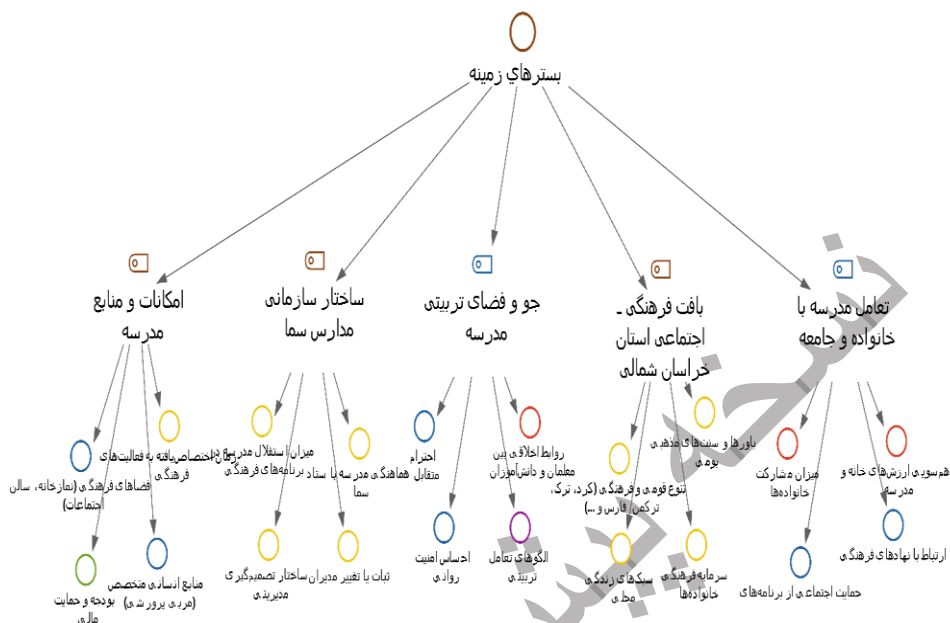
بافت فرهنگی - اجتماعی استان خراسان شمالی شامل: تنوع قومی و فرهنگی (کرد، ترک، ترکمن، فارس و ...)، باورها و سنت‌های مذهبی بومی، سرمایه فرهنگی خانواده‌ها، سبک‌های زندگی محلی.

ساختار سازمانی مدارس سما شامل: میزان استقلال مدرسه در برنامه‌های فرهنگی، ساختار تصمیم‌گیری مدیریتی، هماهنگی مدرسه با ستاد سما، ثبات یا تغییر مدیران.

امکانات و منابع مدرسه شامل: فضاهای فرهنگی (نمازخانه، سالن اجتماعات)، منابع انسانی متخصص (مری پرورشی)، بودجه و حمایت مالی، زمان اختصاص یافته به فعالیت‌های فرهنگی.

جو و فضای تربیتی مدرسه شامل: روابط اخلاقی بین معلمان و دانش‌آموزان، احساس امنیت روانی، احترام متقابل، الگوهای تعامل تربیتی

تعامل مدرسه با خانواده و جامعه شامل: میزان مشارکت خانواده‌ها، هم‌سویی ارزش‌های خانه و مدرسه، ارتباط با نهادهای فرهنگی محلی، حمایت اجتماعی از برنامه‌های تربیتی.



شکل شماره ۳: مدل بسترهای زمینه ای تحقیق حاصل از تحلیل بخش کیفی

۵=شرایط مداخله گر

شرایطی هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای پیشنهادی اثر می گذارند. بطور کلی شرایط مداخله گر شرایط زمینه های عمومی هستند که بر راهبردها تاثیر می گذارند این شرایط مجموعه ای از متغیرهای میانجی و واسط را تشکیل می دهند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می سازند و بر اساس مصاحبه های انجام شده و تحلیل آنها شرایط مداخله گر در این پژوهش شامل: فضای مجازی و رسانه های نوین، فشارهای آموزشی و نظام ارزشیابی، نگرش و مشارکت خانواده ها، شایستگی های حرفه ای و تربیتی معلمان و تحولات اجتماعی و فرهنگی کلان. فضای مجازی و رسانه های نوین و نیز نگرش و مشارکت خانواده ها در بیش از ۸۱ درصد از مصاحبه ها بدانها اشاره گردیده است همچنین فشارهای آموزشی و نظام ارزشیابی به ترتیب در ۴۳٫۸ درصد و شایستگی های حرفه ای و تربیتی معلمان و تحولات اجتماعی و فرهنگی کلان در ۱۸٫۸ درصد از متون مصاحبه ها بیان شده است.

جدول شماره ۵ کدگذاری نهایی حاصل از مصاحبه در خصوص تبیین عوامل مداخله گر

کد	مفاهیم	مولفه	بعد	سازه
In11	تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت دانش‌آموز	فضای مجازی و رسانه‌های نوین		زیست بوم تربیت فرهنگی
In12	تعارض ارزش‌های رسانه‌ای با فرهنگ اسلامی			
In13	میزان سواد رسانه‌ای معلمان و دانش‌آموزان			
In14	نظارت و هدایت فرهنگی در فضای مجازی			
In21	نمره محوری و کنکورزدگی	فشارهای آموزشی و نظام ارزشیابی		
In22	کمبود زمان برای فعالیت‌های فرهنگی			
In23	اولویت یافتن آموزش بر تربیت			
In24	انتظارات آموزشی خانواده‌ها			
In31	هم‌سویی یا تعارض ارزش‌های خانه و مدرسه	نگرش و مشارکت خانواده‌ها		
In32	میزان همکاری خانواده در برنامه‌های فرهنگی			
In33	سطح آگاهی تربیتی والدین			
In34	انتظارات فرهنگی خانواده‌ها از مدرسه			
In41	توانمندی تربیتی معلمان	شایستگی‌های حرفه‌ای و تربیتی معلمان		
In42	مهارت ارتباطی و اخلاق حرفه‌ای			
In43	انگیزه و تعهد فرهنگی			
In44	آموزش‌های ضمن خدمت فرهنگی			
In51	تغییر سبک زندگی نسل جدید	تحولات اجتماعی و فرهنگی کلان		
In52	شکاف نسلی			
In53	چالش‌های هویتی نوجوانان			
In54	شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه			

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل بخش کیفی حول محور عوامل مداخله گر موثر در زیست بوم تربیت فرهنگی با توجه به پیوند دادن کدهای باز، مفاهیم کدهای محوری و کدهای گزینشی

نشان داد که عوامل مداخله گر شامل ۵ مولفه اصلی و ۲۰ مفهوم است که مبنای تدوین پرسشنامه بخش کمی نیز قرار گرفته است.

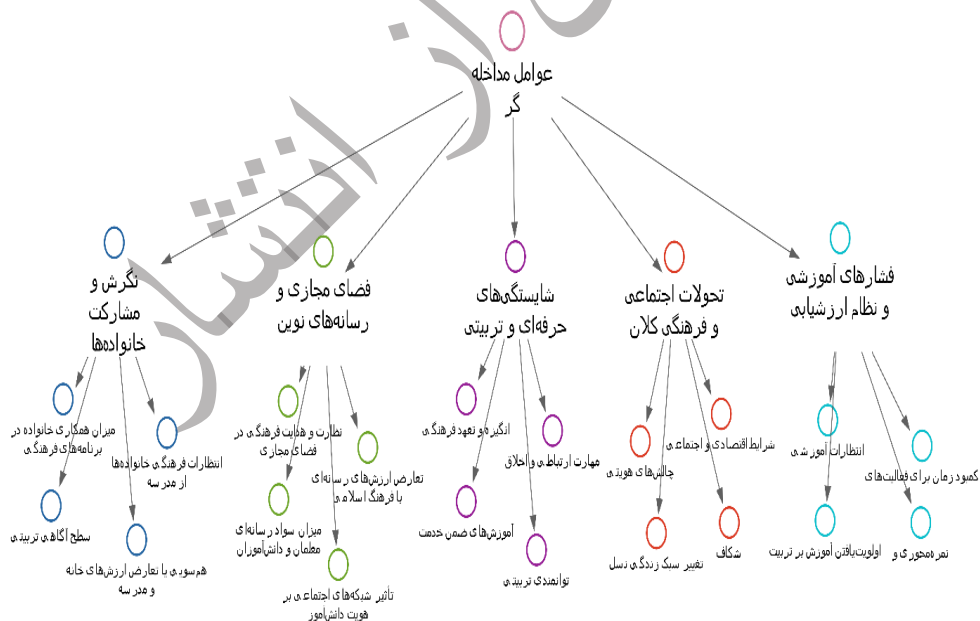
فضای مجازی و رسانه‌های نوین شامل: تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت دانش‌آموز، تعارض ارزش‌های رسانه‌ای با فرهنگ اسلامی، میزان سواد رسانه‌ای معلمان و دانش‌آموزان، نظارت و هدایت فرهنگی در فضای مجازی.

فشارهای آموزشی و نظام ارزشیابی شامل: نمره‌محوری و کنکورزدگی، کمبود زمان برای فعالیت‌های فرهنگی، اولویت‌یافتن آموزش بر تربیت، انتظارات آموزشی خانواده‌ها.

نگرش و مشارکت خانواده‌ها شامل: هم‌سوایی یا تعارض ارزش‌های خانه و مدرسه، میزان همکاری خانواده در برنامه‌های فرهنگی، سطح آگاهی تربیتی از مدرسه.

شایستگی‌های حرفه‌ای و تربیتی معلمان شامل: توانمندی تربیتی معلمان، مهارت ارتباطی و اخلاق حرفه‌ای، انگیزه و تعهد فرهنگی، آموزش‌های ضمن خدمت فرهنگی.

تحولات اجتماعی و فرهنگی کلان شامل: تغییر سبک زندگی نسل جدید، شکاف نسلی، چالش‌های هویتی نوجوانان، شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه.



شکل شماره ۴: مدل عوامل مداخله گر تحقیق حاصل از تحلیل بخش کیفی

۶- راهبردها

راهبردهای مورد نظر در نظریه داده بنیاد به ارائه راه‌حلهایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد. هدف راهبردها در نظریه داده بنیاد، ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه، اداره کردن، به انجام رساندن و حساسیت نشان دادن نسبت به پدیده می‌باشد. برای مطالعه حاضر راهبردها به ترتیب اهمیت بر اساس نتایج بخش کیفی شامل: رهبری و مدیریت فرهنگی مدرسه، توانمندسازی تربیتی معلمان و کارکنان، یکپارچه‌سازی تربیت فرهنگی با برنامه درسی، طراحی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی هدفمند، مشارکت فعال خانواده و جامعه و مدیریت فضای مجازی و رسانه‌های مدرسه، رهبری و مدیریت فرهنگی مدرسه و همچنین مولفه توانمندسازی تربیتی معلمان و کارکنان در ۱۰۰ درصد از مصاحبه‌ها بدانها اشاره گردیده است همچنین به ترتیب مدیریت فضای مجازی و رسانه‌های مدرسه در ۸۱،۳ درصد و مشارکت فعال خانواده و همچنین طراحی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی هدفمند در ۶۸،۸ درصد و یکپارچه‌سازی تربیت فرهنگی با برنامه درسی در ۵۰ درصد از متون مصاحبه‌ها بیان شده است.

جدول شماره ۶: کدگذاری نهایی حاصل از مصاحبه در خصوص تبیین راهبردها

کد	مفاهیم	مولفه	بعد	سازه
St11	ایفای نقش مدیر به‌عنوان رهبر فرهنگی	رهبری و مدیریت فرهنگی مدرسه	راهبردها	زیست بوم تربیت فرهنگی
St12	تدوین چشم‌انداز فرهنگی مدرسه			
St13	نظارت مستمر بر فعالیت‌های تربیتی			
St14	الگوسازی مدیریتی در رفتار و تصمیم‌گیری			
St21	آموزش‌های ضمن خدمت با محور تربیت اسلامی	توانمندسازی تربیتی معلمان و کارکنان	راهبردها	
St22	تقویت مهارت‌های تربیتی و اخلاق حرفه‌ای			
St23	ایجاد تعهد و انگیزه فرهنگی در معلمان			
St24	استفاده از معلمان الگو در تربیت فرهنگی			
St31	تلفیق ارزش‌های اسلامی در محتوای دروس	یکپارچه‌سازی تربیت فرهنگی با برنامه درسی	راهبردها	
St32	استفاده از روش‌های تدریس تربیت‌محور			
St33	توجه به تربیت غیررسمی در کلاس درس			
St34	پرهیز از نگاه جزیره‌ای به فعالیت فرهنگی			
St41	برگزاری مناسک و آیین‌های دینی	طراحی و اجرای فعالیت‌های		

St42	فعالیت‌های فرهنگی مشارکتی (گروهی، جهادی)	فرهنگی - تربیتی هدفمند		
St43	برنامه‌های هویت‌ساز و اخلاقی محور			
St44	استفاده از هنر، ادبیات و رسانه در تربیت			
St51	توانمندسازی فرهنگی خانواده‌ها	مشارکت فعال خانواده و جامعه		
St52	تعامل مستمر خانه و مدرسه			
St53	استفاده از ظرفیت نهادهای فرهنگی محلی			
St54	هم‌افزایی تربیتی با جامعه پیرامونی			
St61	ارتقای سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان	مدیریت فضای مجازی و رسانه‌های مدرسه		
St62	تولید محتوای فرهنگی اسلامی			
St63	هدایت فعالیت‌های مجازی دانش‌آموزان			
St64	نظارت هوشمند بر استفاده از رسانه‌ها			

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل بخش کیفی حول محور راهبردهای موثر در زیست بوم تربیت فرهنگی با توجه به پیوند دادن کدهای باز، مفاهیم کدهای محوری و کدهای گزینشی نشان داد که راهبردهای مطرح شده در این تحقیق شامل ۶ مولفه اصلی و ۲۴ مفهوم است که مبنای تدوین پرسشنامه بخش کمی نیز قرار گرفته است.

رهبری و مدیریت فرهنگی مدرسه شامل: ایفای نقش مدیر به‌عنوان رهبر فرهنگی، تدوین چشم‌انداز فرهنگی مدرسه، نظارت مستمر بر فعالیت‌های تربیتی، الگوسازی مدیریتی در رفتار و تصمیم‌گیری.

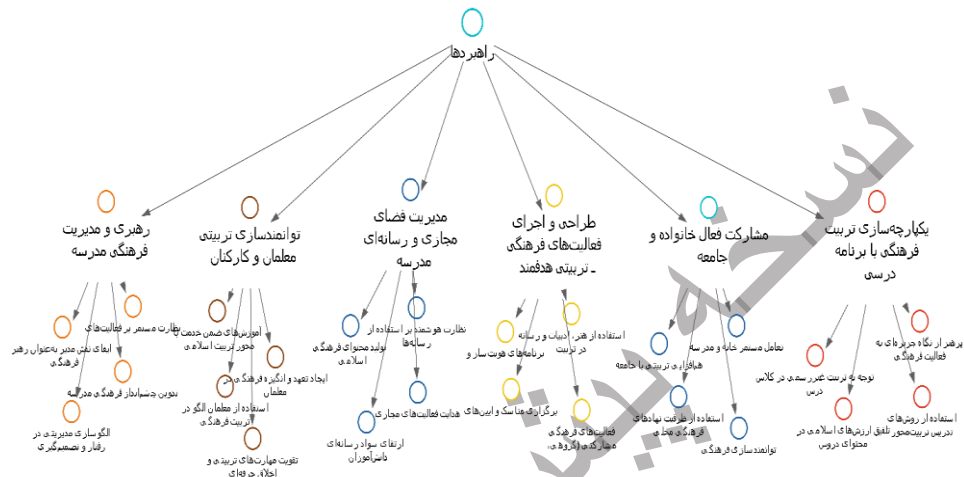
توانمندسازی تربیتی معلمان و کارکنان شامل: آموزش‌های ضمن خدمت با محور تربیت اسلامی، تقویت مهارت‌های تربیتی و اخلاق حرفه‌ای، ایجاد تعهد و انگیزه فرهنگی در معلمان، استفاده از معلمان الگو در تربیت فرهنگی.

یکپارچه‌سازی تربیت فرهنگی با برنامه درسی شامل: تلفیق ارزش‌های اسلامی در محتوای دروس، استفاده از روش‌های تدریس تربیت‌محور، توجه به تربیت غیررسمی در کلاس درس، پرهیز از نگاه جزیره‌ای به فعالیت فرهنگی.

طراحی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی هدفمند شامل: برگزاری مناسک و آیین‌های دینی، فعالیت‌های فرهنگی مشارکتی (گروهی، جهادی)، برنامه‌های هویت‌ساز و اخلاقی محور، استفاده از هنر، ادبیات و رسانه در تربیت.

مشارکت فعال خانواده و جامعه شامل: توانمندسازی فرهنگی خانواده‌ها، تعامل مستمر خانه و مدرسه، استفاده از ظرفیت نهادهای فرهنگی محلی، هم‌افزایی تربیتی با جامعه پیرامونی.

مدیریت فضای مجازی و رسانه‌های مدرسه شامل: ارتقای سواد رسانه‌های دانش‌آموزان، تولید محتوای فرهنگی اسلامی، هدایت فعالیت‌های مجازی دانش‌آموزان، نظارت هوشمند بر استفاده از رسانه‌ها.



شکل شماره ۵: مدل عوامل راهبردها تحقیق حاصل از تحلیل بخش کیفی

۶- پیامدها

اعمال (کنش‌ها) و عکس‌العمل‌ها (واکنش‌ها) که در مقابله یا جهت‌آوردن و کنترل پدیده صورت می‌گیرد، پیامدهایی را در پی خواهد داشت. در این راستا در صورتیکه راهبردها به درستی اجرا شود و اثربخش واقع گردد پیامدهایی در ۴ حوزه شامل پیامدهای مرتبط با دانش‌آموز، پیامدهای مرتبط با مدرسه، پیامدهای مرتبط با خانواده و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی تحقق خواهد یافت. همانگونه که در نمودار شماره (۴-۶) مشخص می‌شود پیامدهای مرتبط با مدرسه در ۱۰۰ درصد از مصاحبه‌ها بدانها اشاره گردیده است همچنین به ترتیب مدیریت فضای مجازی و رسانه‌های مدرسه ۹۳٫۸ درصد، پیامدهای مرتبط با دانش‌آموز در ۸۱٫۳ درصد و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی در ۵۶٫۳ درصد از متون مصاحبه‌ها بیان شده است.

جدول شماره ۷: کدگذاری نهایی حاصل از مصاحبه در خصوص تبیین پیامدها

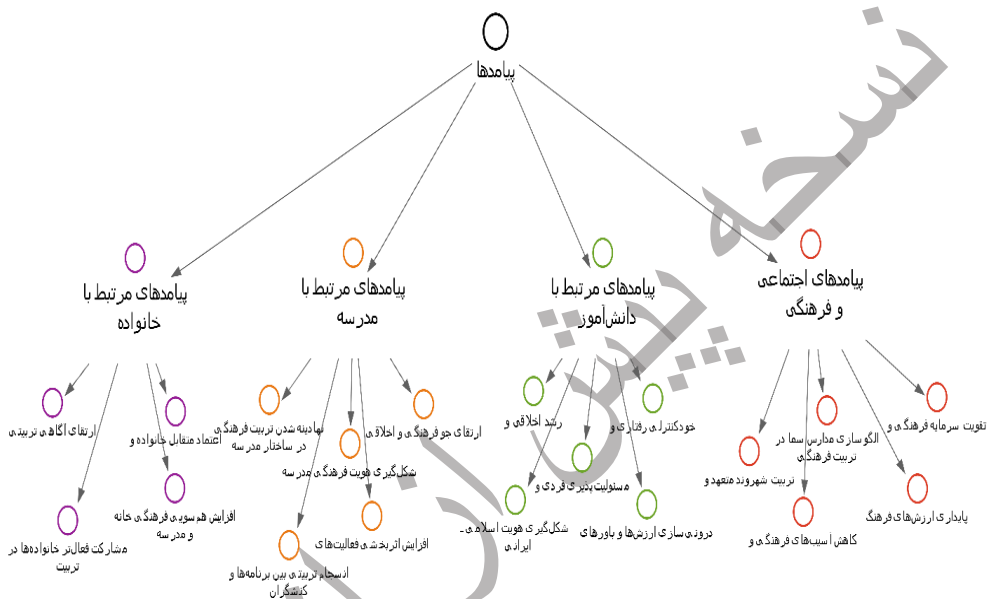
کد	مفاهیم	مولفه	بعد	سازه
Con11	شکل‌گیری هویت اسلامی - ایرانی	پیامدهای مرتبط با دانش‌آموز	پیامدها	زیست بوم تربیت فرهنگی
Con12	درونی‌سازی ارزش‌ها و باورهای دینی			
Con13	رشد اخلاقی و معنوی			
Con14	مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی			
Con15	خودکنترلی رفتاری و فرهنگی			
Con21	ارتقای جو فرهنگی و اخلاقی مدرسه	پیامدهای مرتبط با مدرسه		
Con22	انسجام تربیتی بین برنامه‌ها و کنشگران			
Con23	نهادینه‌شدن تربیت فرهنگی در ساختار مدرسه			
Con24	افزایش اثربخشی فعالیت‌های تربیتی			
Con25	شکل‌گیری هویت فرهنگی مدرسه سما	پیامدهای مرتبط با خانواده		
Con31	افزایش هم‌سوایی فرهنگی خانه و مدرسه			
Con32	ارتقای آگاهی تربیتی والدین			
Con33	مشارکت فعال تر خانواده‌ها در تربیت			
Con34	اعتماد متقابل خانواده و مدرسه	پیامدهای اجتماعی و فرهنگی		
Con41	تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی			
Con42	تربیت شهروند متعهد و اخلاق‌مدار			
Con43	پایداری ارزش‌های فرهنگ اسلامی			
Con44	کاهش آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی			
Con45	الگوسازی مدارس سما در تربیت فرهنگی			

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل بخش کیفی حول محور پیامدهای ناشی از زیست بوم تربیت فرهنگی با توجه به پیوند دادن کدهای باز، مفاهیم کدهای محوری و کدهای گزینشی نشان داد که پیامدهای مطرح شده در این تحقیق شامل ۴ مولفه اصلی و ۱۹ مفهوم است که مبنای تدوین پرسشنامه بخش کمی نیز قرار گرفته است.

پیامدهای مرتبط با دانش‌آموز شامل: شکل‌گیری هویت اسلامی - ایرانی، درونی‌سازی ارزش‌ها و باورهای دینی، رشد اخلاقی و معنوی، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، خودکنترلی رفتاری و فرهنگی.

پیامدهای مرتبط با مدرسه شامل: ارتقای جو فرهنگی و اخلاقی مدرسه، انسجام تربیتی بین برنامه‌ها و کنشگران، نهادینه‌شدن تربیت فرهنگی در ساختار مدرسه، افزایش اثربخشی فعالیت‌های تربیتی، شکل‌گیری هویت فرهنگی مدرسه سما.

پیامدهای مرتبط با خانواده شامل: افزایش هم‌سویی فرهنگی خانه و مدرسه، ارتقای آگاهی تربیتی والدین، مشارکت فعال‌تر خانواده‌ها در تربیت، اعتماد متقابل خانواده و مدرسه. پیامدهای اجتماعی و فرهنگی شامل: تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی، تربیت شهروند متعهد و اخلاق‌مدار، پایداری ارزش‌های فرهنگ اسلامی، کاهش آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، الگوسازی مدارس سما در تربیت فرهنگی.

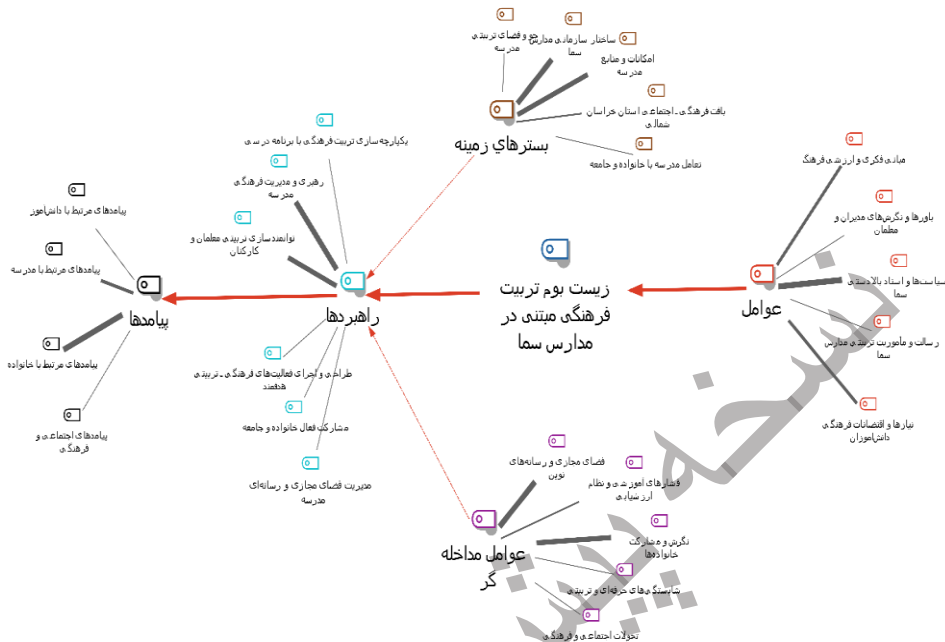


شکل شماره ۶: مدل پیامدها تحقیق حاصل از تحلیل بخش کیفی

بحث و نتیجه‌گیری

الگوی تحلیل داده بنیاد حاصل از تحلیل مصاحبه‌های پژوهش حاضر حول محور زیست بوم تربیت فرهنگی شکل گرفته است. پدیده مرکزی این پژوهش، الگوی زیست بوم تربیت فرهنگی است که نقطه تمرکز تمامی تحلیل‌ها قرار دارد و شامل عناصر انسانی و کنشگران، عناصر ساختاری (فضا و محیط)، عناصر فرآیندی (برنامه‌ها و فرآیندها)، عناصر مبانی و ارزش‌های تربیت فرهنگی بوده و سایر مقوله‌ها حول این پدیده شکل گرفته‌اند. این پدیده تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل علی قرار دارد که شامل عوامل مبانی فکری و ارزشی فرهنگ اسلامی، باورها و نگرش‌های مدیران و معلمان، سیاست‌ها و اسناد بالادستی سما، رسالت و مأموریت تربیتی مدارس سما و نیازها و اقتضات فرهنگی دانش‌آموزان هستند و شدت و ماهیت زیست بوم تربیت فرهنگی را تعیین می‌کنند. تعامل این عوامل با زمینه‌های موجود، مانند بافت فرهنگی اجتماعی استان خراسان

شمالی، ساختار سازمانی مدارس سما، امکانات و منابع مدرسه، جو و فضای تربیتی مدرسه و تعامل مدرسه با خانواده و جامعه، زمینه را برای ظهور پدیده فراهم می‌سازد. همچنین شرایط مداخله‌گر نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه اثرگذاری عوامل علی و راهبردها بر پدیده دارد، عواملی مانند فضای مجازی و رسانه‌های نوین، فشارهای آموزشی و نظام ارزشیابی، نگرش و مشارکت خانواده‌ها، شایستگی‌های حرفه‌ای و تربیتی معلمان و تحولات اجتماعی و فرهنگی کلان که کیفیت و کمیت آنها می‌توانند اجرای راهبردها را تسهیل یا محدود کنند. در این راستا، راهبردهای شناسایی شده بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که می‌توانند پدیده را کنترل، مدیریت و هدایت کنند. این راهبردها شامل رهبری و مدیریت فرهنگی مدرسه، توانمندسازی تربیتی معلمان و کارکنان، یکپارچه‌سازی تربیت فرهنگی با برنامه درسی، طراحی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی هدفمند، مشارکت فعال خانواده و جامعه و مدیریت فضای مجازی و رسانه‌ای مدرسه هستند. اجرای مؤثر این راهبردها در شرایط مساعد مداخله‌گر موجب بهبود پیامدهای مرتبط با دانش‌آموزان، پیامدهای مرتبط با مدرسه، پیامدهای مرتبط با خانواده و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی خواهد شد. به این ترتیب، این الگوی زمینه‌ای نشان می‌دهد زیست بوم تربیت فرهنگی مبتنی بر شاخص‌های فرهنگ اسلامی در مدارس سما استان خراسان شمالی نتیجه تعامل پیچیده میان عوامل علی، زمینه‌های بستر ساز، شرایط مداخله‌گر و اجرای راهبردهای پیشگیرانه و مدیریتی است و مدیریت مؤثر آن نیازمند توجه همزمان به تمامی این ابعاد است.



شکل شماره ۷: مدل پیامدها تحقیق حاصل از تحلیل بخش کیفی

پژوهش حاضر با هدف الگوی زیست بوم تربیت فرهنگی مبتنی بر شاخصه‌های فرهنگ اسلامی در مدارس سما استان خراسان شمالی صورت پذیرفت همانطور که در فصل سوم اشاره شد، برای پاسخ به شناسایی مؤلفه‌های پژوهش و ارائه مدل مفهومی تحقیق، از روش تحقیق کیفی (مصاحبه نیمه ساختاریافته) استفاده شده است. به منظور شناسایی عوامل و مؤلفه‌های مذکور، پس از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با رویکرد کدگذاری باز، محوری و انتخابی، پس از مرور و بازنگری‌های متعدد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی زیست بوم تربیت فرهنگی مبتنی بر شاخصه‌های فرهنگ اسلامی در مدارس سما استان شناسایی و تعریف شد و بر اساس آن، مدل مفهومی تحقیق ارائه شد. به منظور کاهش سوگیری‌ها و اعتبار سنجی کیفی مدل اولیه در سطح مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، لیست ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در اختیار خبرگان قرار گرفت و با توجه به نظرات آنها اصلاحاتی در نام‌گذاری تعدادی از ابعاد و مؤلفه‌های مدل طراحی شده انجام گردید که در نهایت در ابعاد شش‌گانه مبنایی که شامل: شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبرها و پیامدها شناسایی شدند یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل بخش کیفی حول محور

عوامل تشکیل دهنده پدیده اصلی تحقیق با توجه به پیوند دادن کدهای باز، مفاهیم کدهای محوری و کدهای گزینشی نشان داد که پدیده اصلی تحقیق تحت عنوان زیست بوم تربیت فرهنگی در مدارس شامل ۴ مولفه اصلی و ۱۷ شاخص است که مبنای تدوین پرسشنامه بخش کمی نیز قرار گرفته است.

-عناصر انسانی و کنشگران شامل مفاهیم: مدیر مدرسه (رهبر فرهنگی)، معلمان (الگوهای رفتاری)، دانش‌آموزان (کنشگران فعال)، خانواده‌ها، مربیان پرورشی و فرهنگی، نهادهای فرهنگی وابسته به سما.

-عناصر ساختاری (فضا و محیط) شامل: فضای فیزیکی مدرسه (نماها، نمادهای اسلامی)، فضای روانی - اجتماعی مدرسه، مناسبات اخلاقی و ارزشی، فضای مجازی مدرسه.

-عناصر فرآیندی (برنامه‌ها و فرآیندها) شامل: برنامه‌های درسی و فوق برنامه، آیین‌ها و مناسک دینی، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بومی، شیوه‌های تعامل تربیتی.

-عناصر مبانی و ارزش‌های تربیت فرهنگی شامل: دانش فرهنگ اسلامی، نگرش فرهنگ اسلامی، مهارت فرهنگ اسلامی تمام ساحتی.

نهایتاً مولفه‌ها هم در یک دسته بندی نهایی قرار گرفتند. به این ترتیب شش بعد کدگذاری گزینشی شناسایی گردید:

- پدیده محوری ، شامل چهار بعد « عناصر انسانی و کنشگران »، « عناصر ساختاری (فضا و محیط)»، « عناصر فرآیندی (برنامه‌ها و فرآیندها)»، و « عناصر مبانی و ارزش‌های تربیت فرهنگی»
- شرایط زمینه ای شامل: بافت فرهنگی اجتماعی استان خراسان شمالی، ساختار سازمانی مدارس سما، امکانات و منابع مدرسه، جو و فضای تربیتی مدرسه و تعامل مدرسه با خانواده و جامعه
- عوامل علی شامل: مبانی فکری و ارزشی فرهنگ اسلامی، باورها و نگرش‌های مدیران و معلمان، سیاستها و اسناد بالادستی سما و رسالت و مأموریت تربیتی مدارس شما و نیازها و اقتضات فرهنگی
- عوامل مداخله گر شامل: فضای مجازی و رسانه های نوین ، فشارهای آموزشی و نظام ارزشیابی ، نگرش و مشارکت خانواده ها، شایستگی حرفه ای و تربیتی ، تحولات اجتماعی و فرهنگی کلان
- راهبردها شامل رهبری و مدیریت فرهنگی مدرسه، توانمندسازی تربیتی معلمان و کارکنان، یکپارچه سازی تربیت فرهنگی با برنامه درسی، طراحی و اجرای فعالیتهای فرهنگی . تربیتی هدفمند، مشارکت فعال خانواده و جامعه ، مدیریت فضای مجازی و رسانه ای مدرسه،
- پیامدها شامل: پیامدهای مرتبط با دانش آموز و مدرسه و خانواده و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

همچنین برای اینکه نتایج بدست آمده به تمام جامعه قابل تعمیم باشد، مدل پژوهش مورد آزمون کمی هم قرار گرفت بنابراین به منظور پاسخگویی به سوال بعدی پژوهش که به اعتبار یابی الگوی پیشنهادی می پردازد از روش تحقیق کمی استفاده شد. فرهنگ در تحقق حکمرانی اسلامی مقدم بر سایر شئون اجتماعی از جمله اقتصاد و سیاست است و هرگونه تحول و اصلاح از جمله در حوزه حکمرانی از مسیر فرهنگ عبور می کند (Soleimani, 2025). مستقیم به رویکرد مبتنی بر منابع وحیانی و مبانی فلسفه تربیتی در اسلام شامل انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی باز می‌گردد. این عامل به پژوهش‌های (Esmaili & Kavousi, 2020) و (Zamani et al., 2021) باز می‌گردد که مدل تربیت فرهنگی را بر اساس نهج‌البلاغه و آموزه‌های دینی طراحی کرده‌اند. حاجی ده‌آبادی (۲۰۱۹) و (Davoudi & Karamad, 2023) در فلسفه تربیت اسلامی توضیح می‌دهند که توحید و فطرت، غایت نهایی تربیت هستند. این مبانی، مفروضات اساسی را در مدرسه شکل می‌دهند و تمامی اقدامات تربیتی را هدایت می‌کنند (Najafi et al., 2015). موفقیت نهاد تعلیم و تربیت وابسته به تربیت فرهنگی و شکل‌گیری هویتی است (Khodabakhshi et al., 2023) بر اساس نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی، فرهنگ برای پاسخ به نیازها شکل می‌گیرد. (Kheirabadi, 2024) بر تعامل بین فرهنگ و تربیت در فرآیند یادگیری تأکید دارد. نیازهای امروز نسل جدید (مانند هویت‌یابی در عصر دیجیتال) اقتضا می‌کند که روش‌های تربیتی به‌روز شود. پژوهش (Normani et al., 2021) نیز بر پیشران‌های تربیتی جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی اشاره دارد که نیازمند پاسخگویی به نیازهای جدید است. اگر تربیت فرهنگی به این نیازها پاسخ ندهد، کارکرد خود را از دست داده و دچار بحران می‌شود. قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزشی، چارچوب‌های کلان را تعیین می‌کنند. این اسناد نمونه‌ای بارز از تم‌سیستم در نظریه برونفنبرگر هستند. (Bagheri & Bagheri, 2017) با تحلیل گفتمان سند تحول نشان می‌دهند که این سند بر هویت دینی و انقلابی تأکید دارد. با این حال، (Baghdarnia, 2015) و (Koohepimaronizi et al., 2018) به فاصله نظر تا عمل در اجرای این سند اشاره می‌کنند که نشان‌دهنده چالش در تبدیل سیاست‌های کلان به عمل خرد است. (Khaksarhaghani, 2025) و (Maleki Choubi, 2024) بیان می‌کنند که مأموریت اصلی سما، تربیت شهروند مسئول و متعهد است. این مأموریت، مدرسه را از یک نهاد صرفاً آموزشی به یک نهاد «کمال‌گرا» (Motahhari, 2017) تبدیل می‌کند که هدفش رشد همه‌جانبه ابعاد وجودی انسان است. در این زمینه پیشنهاد می‌شود تقویت هویت فرهنگی از طریق گرامی‌داشت نمادهای مشترک منطقه و دین در آموزش مفاهیم کلیدی، از تمثیل‌های فرهنگی مردم منطقه

استفاده شود. پیوند دادن مفاهیم انتزاعی دین به تجارب ملموس روزمره، میزان درونی‌سازی را در دانش‌آموز به شدت افزایش می‌دهد. طراحی ابزارهای ارزیابی کیفی و کمی که صرفاً نمره درس تربیت را ندهند، بلکه پیشرفت دانش‌آموز را در راستای تحقق ابعاد فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و ... مورد نظر را بسنجند. (مانند چک‌لیست‌های مشاهده رفتاری، مصاحبه‌های عمیق). ابزارهای سنجشی که علاوه بر دانش، میزان مشارکت دانش‌آموز در فرهنگ محلی. به عنوان مثال، در ارزشیابی پایان دوره، دانش‌آموز باید گزارشی از مشارکت خود در یک فعالیت فرهنگی-اجتماعی مرتبط با جامعه محلی ارائه دهد مثل مشارکت در یک سنت دینی محلی با رویکرد تربیتی. از آنجا که موفقیت برنامه زیست‌بوم فرهنگی به توانمندی و تعهد نیروی انسانی فعال در آن بستگی دارد در فرآیندهای جذب و ارتقاء معلمان در مدارس سما خراسان شمالی، شایستگی‌های فرهنگی-تربیتی مبتنی بر شاخصه‌های مورد نظر، باید به عنوان یک معیار کلیدی لحاظ شوند. طراحی کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی مشترک برای والدین با هدف همسوسازی محیط خانه و مدرسه در نهادینه‌سازی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی زیرا تربیت فرهنگی زمانی مؤثر است که در تمام ابعاد زندگی فرد (خانه، مدرسه، اجتماع) یکپارچه باشد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان به نسبت سهم برابر در این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

تأیید اخلاقی

رضایت کتبی آگاهانه از افراد برای انتشار اطلاعات ناشناس آنها در این مقاله اخذ شده است.

سیاست هوش مصنوعی مجله

نویسندگان اعلام می‌دارند که در تهیه این مقاله از هیچ ابزار هوش مصنوعی برای نگارش، تحلیل یا تولید داده استفاده نشده است. تمامی محتوای مقاله حاصل تلاش و قضاوت انسانی نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچگونه تضاد منافع مالی یا شخصی مرتب با این پژوهش وجود ندارد.

منابع فارسی

اسماعیلی، محبوبه؛ کاوسی، اسماعیلی. (۱۳۹۹). ارائه مدل تربیت فرهنگی بر اساس آموزه‌های دینی نهج البلاغه. مطالعات رفتاری در مدیریت، ۱۱(۲۳): ۳۳-۵۱.

باغدارنیا، مجتبی. (۱۳۹۴). فاصله نظر تا عمل در تحقق سند تحول بنیادین. همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، تهران.

باقری، الهه؛ باقری، فرزانه (۱۳۹۶) بررسی تحلیل گفتمان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران) دوره ۳، شماره ۱۳۵: ۴-۱۴۶.

حاجی ده آبادی، محمد علی. (۱۳۹۸). درآمدی بر نظام تربیتی اسلام. قم: مؤسسه آموزش و پژوهش.

حسین زاده، ابوالحسن؛ حسینی مقدم، صادق؛ نوروزی، رسول (۱۴۰۳) آسیب‌شناسی نظام تربیتی نسل تمدن‌ساز در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۴(۷): ۱۵-۲۳۲.

خاکسارحقانی، فرهاد. (۲۷/۸/۱۴۰۴). بازدید رئیس دانشگاه آزاد استان چهارمحال و بختیاری و معاون امور مدارس سما از خبرگزاری آنا، بازیابی شده از

<https://shahrekord.iau.ir/fa/news>

خدابخشی، شکوفه؛ صفری، یحیی، ناطقی، فایزه (۱۴۰۲) طراحی و اعتبار یابی مدل مطلوب تربیت فرهنگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۲(۴): ۵۳۹-۵۶۴.

خیرآبادی، شهربانو (۱۴۰۳) بررسی تعامل بین فرهنگ و تربیت در فرآیند یادگیری، یازدهمین همایش ملی - تازه های روانشناسی مثبت، بندرعباس داودی، محمد، و کارآمد، حسین. (۱۴۰۲). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

زمانی، رحمانی، محمدنور، عابدینی، مهنوش. (۱۴۰۰). طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر تربیت فرهنگی-اسلامی در دوره متوسطه نظام آموزشی کشور. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۱۷(۵): ۱۶۱-۱۷۶.

سلیمانی، غلامعلی (۱۴۰۴) فرهنگ به مثابه اولویت نخست حکمرانی اسلامی منبع: پژوهش‌های نوین در حکمرانی اسلامی دوره اول، شماره ۱: ۱۰۹-۱۴۰

فلاحی، کیومرث (۱۳۹۳) رفتارشناسی ایرانیان، درآمدی بر شناخت روحیات، فرهنگ و رفتار مردم ایران، تهران: مهکام

قیدرلو کمیل؛ جانقربان مریم. (۱۴۰۱). زیست‌بوم فرهنگی؛ چارچوبی برای فرهنگ و الگوی حکمرانی فرهنگ‌پایه در جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، : ۴۵-۶۸.

کاوسی، اسماعیل، و اسماعیلی، محبوبه. (۱۴۰۱). آینده پژوهی تربیت فرهنگی نوجوانان براساس آموزه های دینی نهج البلاغه. آینده پژوهی مدیریت (پژوهش های مدیریت)، ۳۲(۱۲۸)، ۱۵-۲۷.

کوه‌پیمارونیزی، سمیه؛ مدنی، احمد؛ رحیمی، مریم (۱۳۹۷) شناسایی و ارزیابی موانع تحقق اهداف عملیاتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از دیدگاه مدیران و معلمان مدارس استان فارس. نوآوری های مدیریت آموزشی، ۵۳(۴): ۲۷-۴۴.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۶) انسان کامل، چاپ ۶۷: تهران: انتشارات صدرا
 موحدی راد، سلیمان؛ سرمدی، محمدرضا و فرج الهی، مهران . (۱۴۰۱). مقدمه ای برای تدوین الگوی تربیت فضیلت مندانه بر مبنای سند تحول بنیادین. اخلاق و حیانی، ۱۲(۲): ۱۲۷-۱۵۴.
 نجفی، رضا؛ وفایی، رضا؛ جعفری هرندی، رضا (۱۳۹۴) بازیابی اصول تربیت فرهنگی از آموزه های اسلامی. معرفت، ۲۰۹(۲۴): ۱۳-۲۸.

نرمانی، حسن، زارعی، غفار، و روان‌بد، امین (۱۴۰۰). پیشران‌های تربیتی و فرهنگی جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی. آینده پژوهشی ایران، دوره ۶، شماره ۱: ۵۷-۷۶.
 نوروزی‌نژاد، محمد و طباطبایی، مینو. (۱۳۹۸). رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، ۱۳(۵): ۳۵-۶۴.

References

Baghdarnia, M. (2015). The gap between theory and practice in the realization of the fundamental reform document. Conference of the Iranian Association for Curriculum Studies, Tehran. (In Persian)

- Bagheri, E., & Bagheri, F. (2017). Investigating the discourse analysis of the fundamental reform document of education. *Psychological and Educational Studies (Iranian Center for Education Development)*, 3(4), 135-146. (In Persian)
- Bronfenbrenner, U. (1979). *The ecology of human development: Experiments by nature and design*. Harvard University Press.
- Buchori, S., & Setiawan, B. (2020). Cultural Pedagogy in Islamic Schools: A Study on Internalization of Local Wisdom. *Journal of Education and Culture*, 26(1), 78-95.
- Chanifah, N., Hanafi, Y., Mahfud, C (2021). Designing a spirituality-based Islamic education framework for young muslim generations: a case study from two Indonesian universities. *Higher Education*.... Retrieved from tandfonline.com
- Davoudi, M., Karamad, H. (2023). *Philosophy of Islamic education*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Esmaili, M., & Kavousi, E. (2020). Presenting a cultural education model based on the religious teachings of Nahj al-Balagha. *Behavioral Studies in Management*, 11(23), 33-51. (In Persian)
- Fadli, S., Nasir, A. (2022). Integrating Islamic Spiritual and Civic Education in Secondary Schools: A Model Proposal. *Indonesian Journal of Islamic Education*, 5(1), 29-48.
- Fallahi, K. (2014). *Behaviorology of Iranians: An introduction to understanding the spirit, culture, and behavior of the people of Iran*. Tehran: Mehkama. (In Persian)
- Gheidarlo, K., & Janghorban, M. (2022). Cultural ecosystem; A framework for culture and culture-based governance model in the Islamic Republic of Iran. *Research Journal of Religion and Cultural Politics*, 45-68. (In Persian)

- Haji Deh-Abadi, M. A. (2019). An introduction to the Islamic educational system. Qom: Institute of Education and Research.
- Hosseinzadeh, A.; Hassani Moghaddam, S.; Norouzi, R. (2024). Pathology of the educational system of the civilization-building generation in the statement of the second step of the revolution. *Political Studies of the New Islamic Civilization*, 4(7), 15-232. (In Persian)
- Hussain, A., & Sarwar, M. (2022). Islamic Education and the Learning Ecosystem: A Conceptual Framework for Integrating Values in Schools. *Journal of Islamic Education*, 4(2), 145-162.
- Kavousi, E., & Esmaili, M. (2022). Futures studies of adolescent cultural education based on the religious teachings of Nahj al-Balagha. *Management Futures Studies (Management Research)*, 32(128), 15-27. (In Persian)
- Khaksarhaghani, F. (2025, October 18). Visit of the president of Islamic Azad University of Chaharmahal and Bakhtiari Province and the deputy of Sama schools to ANA News Agency. <https://shahrekord.iau.ir/fa/news> (In Persian)
- Kheirabadi, Sho. (2024). Investigating the interaction between culture and education in the learning process. 11th National Conference on New Developments in Positive Psychology, Bandar Abbas. (In Persian)
- Khodabakhshi, Sh; Safari, Y.; & Nateghi, F. (2023). A comprehensive model of cultural education for student teachers of Farhangian University. *Culture in Islamic University*, 12(3), 513-536. (In Persian)
- Koohpimaronizi, S.; Modani, A.; & Rahimi, M.. (2018). Identification and evaluation of barriers to the realization of operational goals of the fundamental reform document of education from the perspective of managers and teachers of schools in Fars province. *Innovations in Educational Management*, 53(4), 27-44. (In Persian)
- Maleki Choubi, H. (2024). Sama school and the education of the responsible citizen. *Journal of Islamic Education*, 5(2), 36-50.
- Malinowski, B. (2005). A scientific theory of culture (M. Farahmand, Trans.). Tehran: Cultural Research Office.
- Memon, N., & Khan, A. (2021). The School as an Ecological System: Fostering Islamic Identity in Contemporary Contexts. *International Journal of Educational Development*, 55, 102-115.
- Motahhari, M. (2017). The complete man (67th ed.). Tehran: Sadra Publications. (In Persian)
- Movahed Rad, S.; Sarmedi, M.; & Farajollahi, M. (2022). An introduction to the formulation of the virtue education model based on the fundamental reform document. *Divine Ethics*, 12(2), 127-154. (In Persian)

- Najafi, R.; Vafaei, R.; & Jafari Herandi, R. (2015). Retrieving the principles of cultural education from Islamic teachings. *Ma'rifat*, 209(24), 13-28. (In Persian)
- Normani, H.; Zarei, Gh.; & Ravanbod, A. (2021). Educational and cultural drivers for the formation of the new Islamic civilization. *Iranian Futures Studies*, 6(1), 57-76. (In Persian)
- Norouzinejad, M., & Tabatabaei, M. (2019). Islamic education approach in the six domains of the fundamental reform document of the education system. *Iranian Journal of Curriculum Studies*, 13(5), 35-64. (In Persian)
- Soleimani, Gh. (2025). Culture as the first priority of Islamic governance. *New Research in Islamic Governance*, 1(1), 109-140. (In Persian)
- Zamani, R.; Rahmani, M.; & Abedini, M. (2021). Designing a curriculum model based on Islamic-cultural education in the secondary education system of the country. *Islamic Lifestyle with a Focus on Health*, 17(5), 161-176. (In Persian)